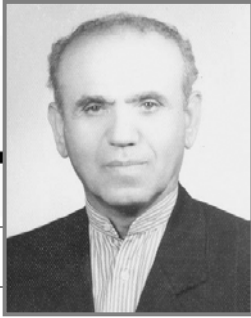


نام و نام‌های

سعدی



دکتر عباس کی‌منش - استاد دانشگاه تهران



□ ۱- نام و نشان

و دوستان و یاران او زیسته، لقب و اسم و تخلص او را به صورتی که آیندگان را در آن مجال تصرفی نباشد، چنین آورده است: «مولانا و شیخ‌الشیوخ فی عهده و قدوه المحققین افصح المتکلمین مفخرالسالکین مشرف (شرف) المله و الحق و الذین مصلح الاسلام و المسلمین شیخ سعدی شیرازی قدس سره».

اگر بخواهیم لقب و اسم سعدی را از میان این نعوت و تعریفات بیرون آوریم چنین می‌شود: «افصح‌المتکلمین مشرف (شرف) الذین مصلح سعدی شیرازی»^۱ و بنابراین اسم شیخ طبق تحقیقات استاد دکتر صفا «مُصلح» تواند بود.

□ ۲- آثار سعدی

آثار سعدی به دو دسته‌ی منظوم و منثور تقسیم می‌شود. **گلستان** که شاهکار آثار منثور در ادب فارسی است، شامل یک دیباجه است و هشت باب: ۱- در سیرت پادشاهان؛ ۲- در اخلاق درویشان؛ ۳- در فضیلت قناعت؛ ۴- در فواید خاموشی؛ ۵- در عشق و جوانی؛ ۶- در ضعف و پیری؛ ۷- در تأثیر تربیت؛ ۸- در آداب صحبت، که آن را در سال ۶۵۶ ه. ق به نثر مسجع نوشته است. و اگر قرار باشد دو اثر منثور را در قله‌ی آثار منثور فارسی نام ببریم، **تاریخ بیهقی** را در نثر ساده و بین بین باد توانیم کرد و گلستان را در نثر مسجع و مصنوع.

در رأس آثار منظوم شیخ سعدی یکی از شاهکارهای شعر فارسی قرار دارد که در نسخ کهن کلیات، «سعدی‌نامه» نامیده شده و بعدها شهرت **بوستان** گرفته است. این منظومه در اخلاق و تربیت و وعظ و تحقیق شامل یک دیباجه و ده باب است: ۱- در عدل و تدبیر و رأی؛ ۲- در احسان؛ ۳- در عشق و مستی و شور؛ ۴- در تواضع؛ ۵- در رضا؛ ۶- در قناعت؛ ۷- در عالم تربیت؛ ۸- در شکر بر عافیت؛ ۹- در توبه و راه صواب؛ ۱۰- در مناجات و ختم کتاب. سعدی آن را در سال ۶۵۵ هجری به اتمام رسانیده است. اما تاریخ شروع آن را معلوم نتوان کرد.

سعدی شاعر بلندآوازه‌ی ایران که در حق او گفته‌اند: الشیخ الامام المحقق، ملک‌الکلام، افصح‌المتکلمین ابومحمد مشرف‌الدین (شرف‌الدین) مصلح بن عبدالله بن مشرف السعدی الشیرازی (۶۰۶-۶۹۰ ه. ق) بی‌تردید بزرگ‌ترین شاعری‌ست که بعد از فردوسی آسمان ادب فارسی را به نور جهان افروز خود روشن ساخته است و آن روشنی با چنان نیرویی همراه است که هنوز پس از گذشت هفت قرن تمام از تأثیر آن کاسته نشده است و این اثر تا پارسی بر جای است، هم‌چنان برقرار خواهد ماند. زبان استادانه‌ی فصیح او زبان دل است و عشق و محبت، و او خود نشانه‌ی تمام عیاری است از «آدمیت» به همان معنی بسیار کاملی که به رندی بیان کرده است چه طنز گزنده‌ی، آن اندرزبخش نامردمان است: تن آدمی شریف است به جان آدمیت

نه همین لباس زیباست نشان آدمیت^۱

کهن‌ترین مأخذی که نام و کنیه و نسب سعدی در آن مذکور است کتاب تلخیص مجمع‌الآداب فی معجم‌الالقباب است از «ابن‌القولی» (م ۷۲۳ ه. ق) معاصر شیخ که با وی ارتباط و مکاتبه داشته و به قول خود در سال ۶۶۰ هجری با فرستادن نامه‌ی به استاد سخن بعضی از اشعار عربی او را خواستار آمده است.

وی از شیخ چنین نام می‌برد: «مصلح‌الدین ابومحمد عبدالله بن مشرف بن مصلح بن مشرف معروف به سعدی شیرازی».

استاد فقید دکتر ذبیح‌الله صفا^۲ می‌نویسد در نقل ابن‌القولی یک اشکال هست و آن اشتباهی‌ست که او در تغییر نام سعدی به لقب آن استاد کرده و در نتیجه لقب او یعنی مشرف‌الدین را حذف نموده است، در صورتی که معاصر دیگر سعدی و ابن‌القولی یعنی علی بن احمد بن ابی‌بکر معروف به «بیستون» که نخستین نسخه‌ی دیوان سعدی را حدود ۳۵ سال بعد از مرگ استاد یعنی در سال ۷۲۶ ه. ق جمع‌آوری و تنظیم کرده و در شهر سعدی، میان آشنایان

ورزیده و از ایشان کسب فیض کرده است و به عبارت دیگر سعدی در عین آن که با گروهی از مشایخ مصاحبت و بدیشان ارادت داشته تابع و فرمانبردار مطلق عقاید آنان نبوده است، چنان که هر مریدی نسبت به مراد باید باشد. بلکه از راه صحبت و کسب فیض از محاضر بزرگان طریقت از گفتارها و نظرها و نتایجی که از مجاهدات خود گرفته بودند برخوردار شده و احیاناً بعضی از نظرهای آنان را نیز پذیرفته است.



چندسالی را که شیخ در بغداد گذرانیده باید دوران تحصیل و کسب فیض از بزرگ‌ترین مدرّسان و مشایخ عهد که در آن شهر حضور فعال داشته‌اند، به حساب آورد. و گویا بعد از طی این مراحل بود که سفرهای طولانی خود را به حجاز، شام، لبنان و روم آغاز کرده است و بنا به گفته‌ی خود، در اقصای عالم گشته و با هر کسی ایام را به سر برده است.^۵

پی‌نوشت‌ها

- ۱- سعدی، دیوان غزلیات، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، استاد دانشگاه تهران، انتشارات سعدی، چاپ اول ۱۳۶۶، ج ۲، ۹۵۲.
- ۲- دکتر ذبیح‌الله صفا فرزند سیدعلی اصغر صفای شه‌میرزادی تولّد نهم اردیبهشت ۱۲۹۰ و وفات نهم اردیبهشت ۱۳۷۸ هـ. ش در لوبک آلمان.
- ۳- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، بخش یکم ۵۸۴.
- ۴- عبدالرحمن جامی، نفحات‌الانس، مهدی توحیدی‌پور، ۶۰۱.
- ۵- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، بخش یکم، ۵۹۵.

مجموعه‌ی دیگر از آثار سعدی قصاید عربی اوست که اندکی کم‌تر از هفتصد بیت، مشتمل بر معانی غنایی و مدح و نصیحت است و یک قصیده‌ی مفصل در مرثیه‌ی المستعصم بالله.

قصاید فارسی شیخ در موعظه و نصیحت و توحید و مدح پادشاهان و صدور و رجال عهد اوست.

مراثی سعدی، مشتمل بر چند قصیده در مرثیه‌ی المستعصم بالله و ابوبکر بن سعد بن زنگی و سعد بن ابوبکر و امیر فخرالدین ابی‌بکر است که بعید نیست همان امیر فخرالدین حوائجی وزیر باشد و عزالدین احمد بن یوسف، و یک ترجیع‌بند بسیار مؤثر در مرثیه‌ی اتابک سعد بن ابی‌بکر.

لمعات و مثلثات، ترجیعات، طّیبات، بدایع، خواتیم، غزلیات قدیم که چهار کتاب اخیر متضمّن غزل‌های شیخ است. که استاد دکتر خلیل خطیب رهبر به شرح عالمانه‌ی غزلیات همّت در میان آورده و بحور و اوزان آن‌ها را تعیین فرموده‌اند.

صاحبیه که مجموعه‌ی ست از بعضی قطعات فارسی و عربی و غالب آن‌ها در مدح شمس‌الدین صاحب‌دیوان جوینی است و از این روی به صاحبیه معروف شده است و خبیثات مجموعه‌ی است از هزلیات شیخ. و بالاخره رباعیات و مفردات سعدی که هر یک در جای خود از ارزش والایی برخوردار است و نشانه‌ی کمال فصاحت شیخ.

۳- استادان سعدی

سعدی شاگرد ابوالفرج بن الجوزی دوم است که در سال ۶۵۶ هـ. ق، هنگام فتح بغداد به قتل رسیده است. ابن جوزی دوم از سال ۶۳۱ سمت مدرّسی مدرسه‌ی مستنصریه‌ی بغداد را داشته است و قاعدتاً باید سعدی چند سالی بعد از شروع تحصیل در نظامیه‌ی بغداد و در حدود بیست و چهار پنج سالگی خود، که البته مقارن با «عنفوان» شباب اوست خدمت این استاد را درک کرده باشد؛ و این نکته را نیز باید دانست که ابن جوزی و نیای او - ابوالفرج بن الجوزی صاحب کتاب مشهور **تلبیس ابلیس** - و پدر و برادرانش همه از جمله‌ی متکلمین عهد خود و در مذهب فقهی تابع امام احمد حنبل بوده‌اند و در مورد او مراد سعدی از «شیخ» و «مرّتی» کسی است که وی را در علوم شرعی در کف تربیت خود داشته است، نه در تصوّف. و نعمت چنین تربیتی نسبت به سعدی برای چند تن از پیران عهد او از آن جمله برای شهاب‌الدین ابوحفص عمر بن محمد سهروردی (م ۶۳۲ هـ. ق) حاصل شده است.

جامی گوید که سعدی «از مشایخ کبار بسیاری را دریافته و به صحبت شیخ شهاب‌الدین سهروردی رسیده و با وی در یک کشتی سفر دریا کرده است.»^۴ و این سخن جامی باید انعکاسی باشد از قول سعدی در همین مضمون. ولی گفتار سعدی در این مورد منحصر به سفر با سهروردی نیست بلکه نشانی از صحبت و اقامت در خدمت اوست و استماع سخنان عارفانه‌ی او و به هر حال تأثیر نظرها و عقاید شهاب‌الدین سهروردی را در بعضی از اقوال شیخ می‌توان یافت. منتهی سعدی در کسب نظرهای عارفان و قبول تربیت ایشان گویا به پیر و مرّادی تنها اکتفا نکرده بلکه به عده‌ی از آنان ارادات